

والدین کوکلاس کلان‌ها و آترناتیو وضع موجود

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

نمودند. آنها نیک میدانستند که اجرای برنامه‌های ضد بشری احتیاج به پشتوانه مالی بسیار دارد و در این راستا هم، راه را برای سروی سرمایه نازی‌ها آماده و ممکن ساختند. با نگاهی گذرا هم میتوان این همگونی تاریخی را در عملکرد و نظرات دولت ترامپ مشاهده نمود.

درگیری‌های نژادی و افتضاحات جنایت بار امثال حوادث شهر Charlotte Town و تظاهرات نژادپرستان اما که مثل همتای تاریخی خود در جهت گیج و منگ نمودن جامعه امپراطوری امپریالیستی است. آنجا که توجه همگانی از مولفه‌های اصلی این فعال شدن نژادپرستان دور میشود. که عموم دنبال این امر نمی‌روند که اکنون تا ۴۰ درصد کل درآمد و سود شرکتهای عظیم تولیدی، تجاری و خدماتی به جیب بخش مالی سرمایه و سرمایه داران وابسته می‌رود. که سیطره سرمایه مالی و غیر تولیدی و انگل است که امور سیاسی جامعه را طراحی و مجری می‌سازد. همان موسسات غول‌آسایی که باراک اوباما به هنگام ورشکستگی آنها، از جیب مردم زحمتکش آمریکا میلیاردها دلار به جیب آنان ریخت تا مجدداً روی پای خود بایستند! که آنها در موسسات مالی و بانک‌های غول‌پیکر نشسته اند و در پناه جنگ سیاه و سفید و تظاهرات کوکلاس کلان‌ها، صدها میلیارد دلار درآمد غارت شده خود را در خارج از خاک آمریکا نگه میدارند! به کسی پاسخگو نیستند و در اصل دولت‌ها برگزیده سیاسی این بزهکاران بین‌المللی هستند. در این راستا دانلد ترامپ مجدداً در بوق جنگ افغانستان میدمد و با جنجال تبلیغاتی و تولید فضای جنگی با کره و... مجموعه‌های نظامی-مالی را فربه‌تر می‌کند.

پنداری اکنون بتوان از سمت و سوی فعال شدن گروه‌های نژادپرست و فاشیست پرده برداشت. تظاهراتی که از یک طرف توسط ارباب سرمایه محلی حمایت میشود و از سوی دیگر تولید جنجالی ساختگی میکند تا امپراطوری امپریالیستی ماشین جهانی سازی سیاست‌های غارت‌گرانه خود را تندتر براند! در این تصویر بی‌شک همدستان ترامپ و نژادپرستان

درگیری‌های گسترده بین صفوف تظاهرکنندگان نژادپرست، سفیدپوستان وابسته به کوکلاس کلان، نئونازی‌ها با مردم شهرهای مختلف ایالات متحده آمریکا برخی را بر این نظر جلب نموده که آمریکا احتمالاً در راه یک جنگ داخلی پنهان است. جنگ میان مردم و اقلیت نژادپرست و نئونازی‌هایی که با انتخاب دانلد ترامپ مجدداً از گورهای تاریخی خود برخاسته اند. من اما که معتقدم، این فعال شدن فاشیست‌ها بویژه در خط جنوب ایالات متحده آمریکا یک سبقه تاریخی از طرفی و یک وابستگی بی‌تردید ایدئولوژیک-اقتصادی با ارباب سرمایه مالی، از سوی دیگر دارد. آنها که بویژه شانس تحصیل یا زندگی بویژه در ایالت‌های خط جنوب آمریکا را داشته اند. نیک میدانند که نژادپرستی و نژادپرستان وابسته به KKK و مشابهات همواره زیر پوست شهرهای مذکور از ایالت‌های جنوبی فعال بوده و مقامات بسیاری در خط انتظامی، قضایی و بویژه صنایع کشاورزی و دام‌داری از آنها هستند. که برآمد و فعال شدن آنها اکیدا وابسته به قدرت‌گیری وابستگان خود در دولت‌های محلی، ایالتی و فدرال است. که نژادپرستان همواره سربازان گمنام قدرت اقتصادی محلی و ایالتی بوده اند.

نظری به شعارهای انتخاباتی دانلد ترامپ و بویژه در راستای بازگشت به آمریکای بزرگ و دولت رفاه او یک تشابه آشکار به شعارهای نازی‌های آلمانی در دهه ۳۰ و فاشیست‌های ایتالیایی دارد! بازگرداندن عظمت کشور و ایجاد کار برای همگان و تولید دولت رفاه و ثروت برای عموم، اما که تبدیل شد به خارجی ستیزی، یهودی‌کشی و عظمت طلبی نازی‌ها از طریق جنگ علیه همگان! چون به قدرت رسیدند، ابتدا نژادپرستان آغاز به تصفیه نژادی، مذهبی نمودند تا در پناه این ماشین عظیم تبلیغی، حملات گسترده خود را برای خلع ید از اصحاب سرمایه تولیدی، تجاری و مالی شروع کردند. نئونازی‌ها و فاشیست‌ها خارجی ستیز و دیگرکشی و جنایت را عین عدالت جار زدند و گروه‌های نازی و فاشیست از غفلت همگانی سود برده و با حمله به «غیرخودی‌ها» در پناه شعار تصفیه نژادی و فرهنگی، راه را برای بقدرت رسیدن بخش مالی سرمایه آماده

در دنیای جنوب همان تروریستهای چهارچوب حکومت های مذهبی و اسلام سیاسی و تبعیض گرایان خودمانی هستند. حزب الله و انصار و خامنه ای و برادران اصلاح طلب او هم تحت لوای تبعیض گرایانه اسلام سیاسی همان ترفند شمالی ها و ارباب خود را تکرار می کنند. تحت قوانین اسلامی و سرکوب مذهبی به استمرار تبعیض اجتماعی و انباشت سرمایه غارتی ادامه می دهند. اگر در شمال جنگ نژادی پوشش غارت اقتصادی مردم است در جنوب عقب مانده هم حکومت های فرقه ای و مذهبی و دیکتاتوری واپس گرا پوشش هستند برای غارت ثروت های ملی و چادری برای پوشاندن قبح سرکوب کارگران و مردم به جان آمده کشور. که میدانیم حکومت سارقین اموال عمومی (توانگران مالی) در شمال و جنوب در یک هماهنگی اما که مسئولیت های مشترک سرکوب مردم را به اشکال متفاوت تعقیب می کنند.

تبعیض نژادی از نوع آمریکایی ان از بدو گسترش مجتمع های پنبه کاری و رسیدن سیاه پوستان ر بوده شده از آفریقا، جنبه عملی گرفت. که بردگی و تبعیض نژادی کلاه شرعی و عملی بیگاری سیاهان و انباشت ثروت زمین داران سفیدپوست بود. همین نظریه به غایت ضد انسانی و وحشیانه سبب مشروعیت کشتن و یا شکنجه و بیگاری سیاهان و بردگان از قرن ۱۷ میلادی شد. اگرچه بردگی در آمریکا و در پایان جنگ های داخلی ۱۸۶۵ ملغی شد ولی بردگی نوین نام دیگری شد برای کارکنان کارخانه ها و مجتمع های بزرگ کشاورزی. که نژادپرستی خود را در سامانه سرمایه داری احیا کرد و اگر چه

سیاهان در قرن بیستم دارای حقوق فردی- شهروندی شدند اما که این جنبش مدنی سیاهان هم نتوانست به بردگی نوین آنها پایان دهد. که نژادپرستی در ذهن و وجود میلیونها آمریکایی حضور دارد و جزر و مد عملی ان هم مستقیماً تابع احتیاج تبلیغی و دستگاه انباشت سرمایه است. که تبعیض نژادی امروزه چون مانع بزرگی بر سر اتحاد زحمتکشان آمریکایی، جدا از رنگ پوست پس زمینه هویتی آنها عمل میکند، که وابستگی نژاد پرستان امروزه به ارباب سرمایه و قدرت سیاسی کاملاً آشکار است و ان رهبران سیاهپوستی که خواستند از بازی سیاه- سفید عبور کنند و اتحاد طبقاتی مزدبگیران سفید و سیاه را مطرح نمودند ترور شدند (Luther King و Malcolm X). برای اینکه امروزه به مبارزات ضد نژادپرستی و نژادپرستان سمت و سوی مترقی و انقلابی داد، من معتقدم که تاکید روی همبستگی مبارزاتی و طبقاتی زحمتکشان سفید و سیاه، فارغ از وابستگی نژادی، مذهبی جنسیتی و ... شهروندان معترض، یک رویکرد ضروری و آینده دار است. یک جنبش مترقی و سوسیالیستی با درس آموزی از اشتباهات مهلک گروههایی چون پلنگان سیاه دهه ۷۰، میتواند آلترناتیو این کشمکش و ظهور مجدد نژادپرستان باشد. که اساس تاسیس امپراطوری ایالات متحده آمریکا بدست برده دارانی چون واشینگتن (نخستین رئیس جمهور آمریکا) بود و داندل ترامپ و هواداران تنها کاریکاتوری از آنها هستند.
